

تربیت کودکان، والدین و تلویزیون

بی گمان، نحوه برقراری ارتباط و تعامل سازنده بزرگسالان با کودکان، هنری است که همه والدین ندارند، اما این یک هنر کاملاً اکتسابی است



نگاه جامع آنلاین به کارکردهای مثبت تلویزیون

تربیت کودکان، والدین و تلویزیون

جام جم آنلاین: بی گمان، نحوه برقراری ارتباط و تعامل سازنده بزرگسالان با کودکان، هنری است که همه والدین ندارند، اما این یک هنر کاملاً اکتسابی است که می توان با صرف اندکی وقت و حوصله، آن را به خوبی آموخت و در زندگی خانوادگی به کار بست. یکی از عمده دغدغه های والدین در خصوص نحوه تربیت کودکان، به مساله تلویزیون بر می گردد. کودک با دیدن نقش های هر یک از اعضای خانواده در صفحه تلویزیون، با نقشی که قرار است خودش در زندگی خانواده اش بازی کند، آگاه تر از قبل شده و برای پذیرش این نقش آماده تر می شود.

فاطمه قویمی، روانشناس و پژوهشگر مسائل کودکان با نگارش دو مقاله علمی در حوزه کودکان، راه های عملی ارتباط موثر والدین با فرزندان را تشریح کرده است که #171جام جم آنلاین» با نگاهی اجمالی به محتوای این پژوهش ها، به معرفی اصولی ترین شیوه های تربیتی خردسالان خانواده ها می پردازد.

انواع والدین بر حسب نحوه برخورد با کودکان

مطابق تحقیقات قویمی، والدین بر اساس اینکه چه میزان از قاطعیت و محبت را در ارتباط با کودکان خودشان نشان می دهند، به چهار دسته تقسیم می شوند.

دسته اول، والدینی هستند که قاطع و محبت کننده هستند. این دسته از والدین با وجود قاطعیت در کلام و رفتار، محبت و صمیمیت زیادی را هم به فرزندان نشان منتقل می کنند.

والدین قاطع و محبت کننده، تسلیم مطلق خواسته های کودکانشان نمی شوند و به نیازهای کودک به صورت متعادل توجه دارند.

"لوس بار نیامدن کودک" یکی از خروجی های مهم این گونه از تربیت والدین است.

دسته دوم، والدین قاطع و طرد کننده هستند. این دسته از والدین با وجود آنکه در کلام و رفتارشان قاطعیت دارند اما محبت و صمیمیتی در آن ها دیده نمی شود.

سختگیری و خشونت زیاد این دسته از والدین موجب می شود که این کودکان، یا همچون والدینشان سرد و خشن بار بیابند و یا اینکه به شدت نیازمند محبت می شوند.

دسته سوم، والدین با محبت و فاقد قاطعیت هستند. پدر و مادرهایی با این سبک رفتاری، به سرعت تسلیم خواسته های کودکانشان می شوند.

"لوس بار آمدن" را می توان از محصول طبیعی این مدل تربیتی برشمرد.

گونه آخر از والدین، پدر و مادرهایی هستند که نه قاطعیت دارند و نه به فرزند خود محبت کافی دارند.

"والدین فاقد قاطعیت و طرد کننده" کودک را به حال خود رها می کنند و هیچ توجهی به خواسته های جسمی و عاطفی فرزندانشان ندارند.

"سالمترین فرزندان را گروه والدین قاطع با محبت پرورش می دهند. این دسته از کودکان، اعتماد به نفس بالایی داند و قدرت منطق و استدلال آنها در کنار تامین شدن نیازهای عاطفی شان رشد پیدا می کند."

چند توصیه تربیتی برای ارتباط موثر با کودک

بی شک، اساسی ترین بخش ارتباط با کودک از طریق زبان و گفتار است. کودک با الگو گرفتن از سخنان والدین، ارتباط ربانی را ابتدا از طریق پدر و مادر می آموزد. به همین دلیل والدین باید از بکاربردن واژه ها، اصطلاحات و تلفظ کودکان خودداری کنند.

والدین نباید با گول زدن کودک به خاطر آرام شدن موقت فرزندشان و یا از تنبیه کردن، برای فرونشاندن خشم و ناراحتی خود استفاده کنند.

"خواسته هایی را که شما دلایل منطقی برای رد آنها دارید با قاطعیت رد کنید. در غیر این صورت اگر قرار است رفتاری را با اصرار کودک، تسلیم شده و انجام دهید، بدون اصرار او در همان مرحله اول خواستن انجام دهید."

رابطه تلویزیون با کودک و نوجوان

یکی از عمده دغدغه های والدین در خصوص نحوه تربیت کودکان، به مساله تلویزیون بر می گردد.

ترس از این که کودک، اکثر اوقاتش را به تماشای تلویزیون بگذراند، بسیاری از والدین را مضطرب می کند.

اما باید توجه داشت که تلویزیون هم مثل همه اختراعات بشر، کارکردهای مثبت، منفی و یا اثری خنثی دارد.

باید در نظر داشت که کودکان به دو صورت منفعل و فعال با تلویزیون برخورد می کنند. در واقع، گزینشی برخورد کردن با برنامه های تلویزیون با بالا رفتن سن کودکان رابطه مستقیم دارد.

سن 2 و نیم سالگی را به عنوان میانگین سن تماشای منظم تلویزیون در کودکان می دانند و در سن 6 سالگی نیز دلبستگی با تلویزیون در کودک، تشدید می شود.

کارکردهای مثبت تلویزیون برای کودکان

جدای از این که افراط در تماشای تلویزیون می تواند کودک را به یک وابسته صرف تبدیل کند اما برای این جعبه جادویی می توان کارکردهای مثبت متعددی نیز برشمرد.

بدهی ترین کارکرد مثبت تلویزیون برای کودکان، پر شدن اوقات فراغت آنهاست. فعالیت اصلی کودک پیش از مدرسه، بازی کردن است و پس از مدرسه به درس خواندن تبدیل می شود.

البته بازی و درس نمی تواند همواره زمان های خالی کودک را با توجه به حس تنوع پذیری کودکان پر کند، در چنین شرایطی تلویزیون نقش پر کردن اوقات فراغت را به بهترین نحو بازی می کند.

کارکرد بعدی تلویزیون را باید در اجتماعی شدن کودکان جستجو کرد. کودک از طریق تلویزیون درباره زندگی خود، نحوه رفتار در شرایط مختلف و چگونگی برخورد با مشکلات، نکات برجسته ای می آموزد.

همچنین، کودک از طریق تلویزیون، نقش جنسیتی خود را بهتر درک می کند. یعنی با وجود این که زمان 18 ماهگی تا سه سالگی را دوره درک جنسیت کودک می دانند، همین دوره سنی، تقریباً مصادف با زمانی است که کودک به طور منظم به تماشای تلویزیون می پردازد.

حتی تلویزیون می تواند یک بینش خاص به کودکان بدهد که آنها را برای انتخاب شغل در آینده کمک کند. زیرا تلویزیون این قدرت را دارد که مشاغل مختلف را از طریق صفحه تلویزیون به کودکان معرفی کند.

بالا رفتن معلومات عمومی و پذیرش نقش خانوادگی، از دیگر مزایای تماشای تلویزیون برای کودکان است.

کودک با دیدن نقش های هر یک از اعضای خانواده در صفحه تلویزیون، با نقشی که قرار است خودش در زندگی خانواده اش بازی کند، آگاه تر از قبل شده و برای پذیرش این نقش آماده تر می شود.

